



## کارکرد محوری «حقوق نرم» در نظام‌مندسازی فعالیت‌های فضایی توسط حقوق بین‌الملل فضای ماوراءجو

\*\*\*سیدمحمد حسینی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۳/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۱۱

### چکیده

حقوق بین‌الملل فضای ماوراءجو به عنوان تنها نظام حقوقی حاکم بر وسیع‌ترین منطقه‌ی جغرافیایی شناخته شده توسط انسان یکی از جدیدترین و در عین حال چالش برانگیزترین شاخه‌های حقوق بین‌الملل از نظر هنجارمندسازی حقوقی رفتار بین‌المللی دولت‌ها در فضای مذکور می‌باشد. با شکست معاهده‌ی ۱۹۷۹ ماه به عنوان یکی از مظاهر تلاش‌های سازمان ملل در ادامه‌ی دیگر معاهدات این سازمان امید به مدیریت یکپارچه‌ی فضای ماوراءجو توسط این سازمان و با تکیه بر اسناد الزام‌آور تدوینی توسط آن بسیار کمرنگ گردید. به همین ترتیب با رشد و توسعه دولت‌ها و افزایش تعداد دولت‌های عضو باشگاه فضایی و نیز با رشد تصاعدی فناوری در حوزه‌ی صنعت فضا نه تنها قواعد موجود تکافوی بسیاری از مسائل امروز نبود بلکه تدوین مقررات این حوزه در سطح بین‌المللی تا رفع احتیاج جامعه‌ی جهانی به عزم افزونی در راستای روند تدوین قواعد حقوقی بین‌المللی فضا و رفع نیازهای جامعه جهانی در این خصوص نیازمند بود. در این وضعیت با بعید به نظر رسیدن افزایش معاهدات موجود راجع به مسائل فضای ماوراءجو حقوق نرم غیرالزام‌آور بین‌المللی می‌تواند نقش پررنگ‌تری را در ادبیات نظام‌مندسازی فضای ماوراءجو ایفا نماید.

واژگان کلیدی: حقوق بین‌الملل فضای ماوراءجو - نظام‌مندسازی فعالیت‌های فضایی - قاعده‌ی

حقوقی - حقوق نرم<sup>۱</sup> - مقررات غیرالزام‌آور

---

\*استادیار دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، نویسنده اصلی مقاله و مسئول

## مقدمه

در نوردیدن مرزهای ملی توسط حقوق و خلق حقوق بین‌الملل همچنین توسعه‌ی حقوق مذکور در پرتو تعدد بازیگران و موضوعات تابع آن به ویژه در دهه‌های اخیر، جامعه بین‌المللی را بیش از هر زمان دیگر در جهانی حائز نظم حقوقی قرار داده است. نظم حقوقی که علیرغم تحولات گوناگون همچنان (اگر نگوییم هسته) پوسته‌ی سنتی خود را حفظ نموده است.

«حقوق نرم» (اگر بتوان آن را حقوق به معنای دقیق کلمه نامید) به عنوان «قواعد رفتاری»<sup>۱</sup> که در زمره منابع سنتی حقوق بین‌الملل به شمار نمی‌روند در حقوق بین‌الملل فضای ماوراءجو در دوران نوین مورد توجه ویژه قرار گرفته است. از سال ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۳ میلادی با تصویب قطعنامه‌های ۱۳۴۸ و ۱۴۷۲ «کمیته استفاده صلح‌آمیز از فضای ماوراءجو (کوپوس) سازمان ملل»<sup>۲</sup> در ابتدا به صورت کمیته‌ای موقت و سپس دائم تأسیس گردید که با کمک همین کمیته و طی قطعنامه‌های ۱۷۲۱، ۱۹۶۲ و ۱۹۶۳ اصول رفتاری بنیادینی جهت نظام‌مندسازی فضای ماوراءجو تهیه و تدوین گردید.

(United Nations General Assembly Resolutions No., 1348, 1472, 1721, 1962 & 1963)

در میان اسناد مذکور قطعنامه‌ی ۱۹۶۲ تحت عنوان «اعلامیه اصول حقوقی حاکم بر فعالیت‌های دولت‌ها در کاوش و بهره‌برداری از فضای ماوراءجو» نقطه‌ی عطف ایجاد قواعد خاص رفتاری غیرالزام‌آور در حقوق بین‌الملل فضای ماوراءجو به شمار می‌رود. در نیمه‌ی دوم دهه‌ی شصت و دهه هفتاد میلادی جامعه‌ی حقوقی بین‌المللی شاهد تدوین قواعدی الزام‌آور تحت یک سلسله‌ی پنج‌گانه از معاهدات تدوین شده به ابتکار کمیته مذکور نیز بود. این معاهدات به ترتیب انعقاد عبارتند از: معاهده‌ی اصول حاکم بر فعالیت‌های دولت‌ها در کاوش و بهره‌برداری از فضای ماورای جو، شامل ماه و دیگر

---

1. Rules of Conduct

2. United Nations Committee on the Peaceful Uses of Outer Space (UNCOPUOS)

کارکرد محوری حقوق نرم در فعالیت‌های فضایی توسط حقوق بین‌الملل فضای ماوراءجو..... ۹۱

اجرام آسمانی ۱۹۶۷، موافقتنامه راجع به نجات و بازگشت فضانوردان و اعاده اشياء پرتاب شده به فضای ماورای جو ۱۹۶۸، کنوانسیون مربوط به مسئولیت بین‌المللی در مورد خسارت ناشی از اجسام فضایی ۱۹۷۲، کنوانسیون ثبت اشياء پرتاب شده به فضای ماورای جو ۱۹۷۵ و نهایتاً موافقت‌نامه‌ی حاکم بر فعالیت‌های دولتها در ماه و دیگر اجرام آسمانی ۱۹۷۹. تمامی معاهدات فوق به جز معاهده آخر منسوب به «معاهده‌ی ماه» با اقبال گسترده‌ای توسط دولتها مواجه گردیدند.

برخی نویسندگان معاهده‌ی «منع آزمایش سلاح‌های هسته‌ای در جو، فضای ماوراءجو و زیر آب- ۱۹۶۳» را نیز هم‌خانواده‌ی معاهدات فوق تلقی نموده‌اند. اگر چه این معاهده نیز مورد استقبال گسترده‌ی دولتها قرار گرفت با این وجود از آنجا که برخی از قدرت‌های بالفعل یا بالقوه‌ی هسته‌ای عضو این کنوانسیون نگردیدند نظام حقوقی حاکم بر موضوع معاهده‌ی مذکور دچار بحران گردید و با نگرانی‌های به وجود آمده ناشی از موارد نقض معاهده مسأله حائز پیچدگی‌های افزونی نیز گردیده است.

معاهده‌ی آخری که به ابتکار سازمان ملل و با تلاش کمیته استفاده صلح‌آمیز از فضای ماوراءجو (کوپوس) آن سازمان مدون و برای امضا مفتوح گردید موافقت‌نامه‌ی حاکم بر فعالیت‌های دولتها در ماه و دیگر اجرام آسمانی ۱۹۷۹ موسوم به «معاهده‌ی ماه» می‌باشد. معاهده‌ی مذکور با تنها ۱۵ سند تصویب و چهار امضا بر خلاف دیگر معاهدات منعقد به ابتکار سازمان ملل نتوانست حمایت گسترده‌ای را از سوی دولتها به نفع خود جلب نماید. شکست حقوقی معاهده‌ی ماه از شکاف حقوقی میان دولتهاى توسعه‌یافته صنعتی و در حال توسعه نشأت گرفت که با گذر زمان و علیرغم تلاش‌های متعدد صورت گرفته نه تنها ترمیم نیافت بلکه رفته رفته رو به وخامت نیز گذارد و راه را بر همگامی تحولات حقوقی با رشد روزافزون فناوری فضایی بست. پس از توافق درصد قابل ملاحظه‌ای از جامعه‌ی بین‌المللی بر سر مسائل و اصولی بسیار حائز اهمیت و بنیادین عصر طلایی حقوق فضای ماوراءجو به ناگهان افول نموده جامعه‌ی مذکور قدم پس نهاد. متعاقب بروز اختلاف‌نظرهای شدیدی که امکان هرگونه

۹۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و دوم، تابستان ۱۳۹۵

توافق الزام‌آور جدیدی را در قالب معاهده در خصوص مسائل مربوط به فعالیت‌های فضایی از دولت‌ها سلب می‌نمود جامعه‌ی بین‌المللی ناامید از امکان انعقاد معاهده‌ای تازه با توسل به اسناد به اصطلاح حقوقی «نرم» و «غیرالزام‌آور» و یا ایجاد قواعد تازه به طریق توافق ضمنی و به طریق عرف بین‌المللی عصر نوینی را در تاریخ حقوق بین‌الملل فضای ماوراء‌جو آغاز نمود. روند تولید حقوق نرم در دوران دوری از معاهدات حقوق بین‌الملل فضای ماوراء‌جو با اجتناب از تدوین معاهدات جدید و روی آوردن به قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل (از جمله قطعنامه‌های ۳۷/۹۲، ۴۱/۶۵، ۴۷/۶۸ و ۵۱/۱۲۲) آغاز گردید. روند تازه به سهولت نیز مورد تأیید جامعه‌ی حقوقی قرار نگرفت و منتقدینی نیز داشت. (Jose & Alvaro, 2011, 234) جان مایه‌ی انتقاد این نویسندگان آن بود که معتقد بودند در فضای فاقد تعهدات الزام‌آور تنها بر پیچیدگی و ابهام حقوق و تعهدات قواعد موجود افزوده خواهد شد. (Nandasiri, 1986, 219) اگر چه در این خصوص نیز می‌بایست گفت که حتی در تصویب همین اسناد غیرالزام‌آور و نرم نیز اختلاف‌نظرهای بسیار در مواردی مانع بزرگی در تدوین سند محسوب می‌گردید. مثال بارز در خصوص قطعنامه‌ی ۴۷/۶۸ مجمع عمومی سازمان ملل با عنوان «اصول راجع به استفاده از منابع انرژی هسته‌های در فضای ماوراء‌جو» مصوب ۱۹۹۲ میلادی می‌باشد. روند مذاکره بر سر توافق و تصویب سند مذکور قریب به یک دهه به طول انجامید. (UN GA Res. No. 47/68)

مقاله‌ی حاضر به روند تکامل این حقوق غیر الزام‌آور در حقوق بین‌الملل و نیز کارکرد این حقوق در نظام بین‌المللی خواهد پرداخت.

### ۱. مشخصه‌ی قاعده‌ی حقوقی و حقوق بین‌الملل فضای ماوراء‌جو

اگر بخواهیم قائل به وجود عنصری تحت عنوان «حقوق نرم» گردیم به ناچار می‌بایست آن را در افق حقوق بین‌الملل فضای ماوراء‌جو مورد بررسی قرار دهیم. اگر

کارکرد محوری حقوق نرم در فعالیت‌های فضایی توسط حقوق بین‌الملل فضای ماوراء‌جو..... ۹۳

چه همگام با گسترش روند «فرامرزی شدن» فعالیت‌های فضایی، اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی نیز همچون دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی وارد این عرصه گردیده‌اند. امروزه بسیاری از فعالیت‌های فضایی را در جهان موسسات غیردولتی بر عهده گرفته‌اند. در نتیجه همان گونه که «حقوق بین‌الملل» به عنوان شاخه‌ای عمومی از حقوق در این رشته می‌تواند قاعده‌ساز باشد حقوق خصوصی نیز در اشکال مختلف می‌تواند نقش شایانی را در نظام‌مندسازی حقوقی فضای ماوراء‌جو ایجاد نماید. با این وجود نقش اشخاص غیردولتی در این حقوق نیز تبعی و کاملاً وابسته به دولت می‌باشد. قواعد موجود در زمینه‌ی مسئولیت بین‌المللی دولت، جبران خسارات وارده ناشی از فعالیت‌های فضایی و اعمال صلاحیت بر اشیاء فضایی و... همه حاکی از نقش تبعی و غیرمستقل اشخاص غیردولتی فعال در زمینه فناوری فضایی هستند. ماده ششم «معاهده اصول حاکم بر فعالیت‌های دولتها در کاوش و بهره‌برداری از فضای ماوراء‌جو شامل ماه و دیگر اجرام آسمانی» مشهور به «معاهده فضا» تصریح می‌دارد: «دولت‌های عضو به جهت فعالیت‌های ملی در فضای ماوراء‌جو، شامل ماه و دیگر اجرام آسمانی،... دارای مسئولیت بین‌المللی هستند.» (UN Treaty on Principles, 1967) اشاره‌ی ماده به مسئولیت دولت در قبال فعالیت‌های اشخاص خصوصی تابع خود آشکار می‌باشد. مطابق مقرره‌ی فوق دولت متبوع شخص خصوص فعال در عرصه‌ی فضایی و نه شخص خصوصی مسئول فعالیت‌های فضایی صورت گرفته می‌باشند. همچنین ماده هفتم همان معاهده مقرر می‌دارد: «هر دولت عضو معاهده که اقدام به پرتاب یا سفارش پرتاب یک شیئی به فضای ماوراء‌جو، شامل ماه و دیگر اجرام آسمانی، می‌کند، و هر دولت عضو که یک شیئی از قلمرو و یا تأسیسات آن پرتاب می‌شود در قبال خساراتی که شیئی مزبور و یا قطعات آن در زمین، هوا و یا فضای ماوراء‌جو، شامل ماه و دیگر اجرام آسمانی، به دولت‌های عضو معاهده یا اتباع حقیقی و حقوقی آن وارد آورد از نظر بین‌المللی متعهد است». به علاوه ماده هشتم معاهده نیز تصریح می‌کند: «هر دولت عضو معاهده که شیئی پرتاب شده به فضای ماوراء‌جو به نام آن ثبت شده حاکمیت و

کنترل شیئی مزبور و پرسنل سوار بر آن را در طی حضور در فضای ماوراء‌ج‌و یا یک جرم آسمانی حفظ می‌کند. مالکیت اشیاء پرتاب شده به فضای ماوراء‌ج‌و شامل اشیائی که بر یک جرم آسمانی فرود آمده یا بر روی آن ساخته شوند، و اجزای متشکله‌ی آن به خاطر عبور از فضای ماوراء‌ج‌و یا یک جرم آسمانی و یا بازگشت آنها به زمین تغییر نمی‌کند. اگر چنین اشیائی و یا قطعات متشکله‌ی آنها در ورای مرزهای دولت عضو معاهده‌ی ثبت‌کننده‌ی آنها یافت شوند، به آن دولت عضو اعاده خواهند شد و دولت مزبور می‌بایست در صورت درخواست قبل از اعاده اطلاعات شناسایی لازم را ارائه نماید. در دو ماده‌ی اخیر نیز هویدا است که «دولت» پرتاب‌کننده‌ی شیئی فضایی مسئول خسارات وارده ناشی از شیئی مذکور حتی به «اشخاص خصوصی» می‌باشد. به همین ترتیب مالکیت شیئی یافت شده خارج از مرزهای دولت ثبت‌کننده آن شیئی ولو آنکه شیئی متعلق به شخص خصوصی تابع آن دولت باشد برای دولت متبوع به رسمیت شناخته شده و شئینیز نه به شخص که به دولت مذکور تحویل داده خواهد شد. بدین ترتیب باید نتیجه گرفت که دولت همچنان حاکم بلامنازع قلمرو حقوق بین‌الملل فضای ماوراء‌ج‌و می‌باشد.

آنچه که روابط میان دولت‌ها (از جمله روابط آنها در خصوص فعالیت‌های فضاییشان) را در فضای بین‌المللی نظام‌مند می‌سازد نظام «حقوق بین‌الملل» می‌باشد. نظامی که می‌توان آن را اگر چه متفاوت با نظام‌های حقوقی مختلف ملی اما نهایتاً نظام حقوقی نوپا و البته تمام عیار تلقی نمود. حقوق آنچنان که در حقوق داخلی شمولیت دارد به عنوان یک نظام عینی مفاهیم و هنجارهایی را که برای جامعه واجد بیشترین اهمیت می‌باشد را انتخاب نموده آن را به صورت قاعده‌ی حقوقی به رسمیت می‌شناسد و برای آن ضمانت اجرا در نظر می‌گیرد. البته بدیهی است در هر جامعه‌ی حقوقی تمامی تابعان الزاماً با قواعد تدوینی یا مفاد آنها به تمامی موافق نیستند لیکن اصل بر آن است که اکثریت جامعه (یا اجتماع بسته به رابطه‌ی افرادی که در کنار یکدیگر گروه اجتماعی را تشکیل داده‌اند) قواعد را وضع نموده یا آن را مورد تأیید قرار می‌دهند و

کارکرد محوری حقوق نرم در فعالیت‌های فضایی توسط حقوق بین‌الملل فضای ماوراء جو..... ۹۵

اقلیتی که به مفاد قواعد مذکور اعتقادی ندارند نیز مطابق دیگر قواعد مادر نظام حقوقی بدانها ملزم می‌گردند. این قواعد را «قواعد الزام‌آور حقوقی» و به اصطلاح «قواعد سخت» می‌گویند. با این وجود حقوق بین‌الملل اساساً حقوقی است که به صورت سنتی بر مبنای نظام «دولت- دولت» شکل گرفته است. در واقع دولت‌ها تا پیش از جنگ جهانی دوم تنها تابعان حقوق بین‌الملل را تشکیل می‌دادند. پس از جنگ سازمان‌های بین‌المللی در واقع بین‌الدولی همچنین شرکت‌های چند ملیتی، نهضت‌های آزادی بخش و نهایتاً افراد نیز حائز شخصیت حقوقی بین‌المللی گشته در نظام حقوقی مذکور واجد حق و تکلیف گردیدند. اگر چه همین شخصیت حقوقی بین‌المللی نیز در مواردی تنها صورتی ظاهری داشته و بیانگر تمام واقعیت‌های سیاسی و اقتصادی در سطح فراملی نمی‌باشد با این وجود علی‌رغم تمامی نقدها در خصوص شخصیت حقوقی بین‌المللی تابعانی به جز دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی تردیدی در خصوص اصل وجود آن میان حقوقدانان باقی نمانده است. اما همین شخصیت حقوقی بین‌المللی در مواردی نه چندان کامل نیز به شدت تحت تأثیر حضور و وجود دولت‌ها در صحنه‌ی بین‌المللی می‌باشد و حقوق و تعهدات بسیاری از تابعان فوق تحت تأثیر این حضور قرار می‌گیرد.

در حقوق بین‌الملل فضای ماوراء جو این مسأله به دلیل اقتضائات و حساسیت‌های نظامی و راهبردی مسائل مربوط به فضا همچنین زمینه‌ی علمی خاص و هزینه‌ها و منافع مرتبط با فعالیت‌های فضایی تشدید نیز می‌گردد. حساسیت‌های مذکور فعالیت‌های فضایی را در اولین دهه‌های تولد خود در انحصار دولت‌ها نگه داشته بود. تشکیل کنسرسیوم‌های بین‌الدولی «سازمان ارتباطات از راه دور ماهواره‌های (اینتل‌ست)» (INTELSAT, 1971) در سال ۱۹۷۱ و «سازمان بین‌المللی ماهواره دریایی (اینمارست)» (INMARSAT, 1976) در سال ۱۹۷۶ توسط دولت‌ها تحت دو معاهده‌ی بین‌المللی و عدم خصوصی‌سازی سازمان‌های مذکور تا قریب به چهار دهه

۹۶.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و دوم، تابستان ۱۳۹۵

بعد از تاریخ تأسیس مؤید همین حقیقت می‌باشد.<sup>۱</sup> همچنین ایجاد «آژانس فضایی اروپا»<sup>۲</sup> تحت معاهده‌ی مؤسس این سازمان در سال ۱۹۷۶ (که در سال ۱۹۸۰ اجرایی شد) توسط دول اروپایی بیانگر محوریت دولت علی‌الخصوص در اولین دهه‌های رشد فعالیت‌های فضایی بین‌المللی می‌باشد.

بسیاری حقوقدانان بین‌المللی علی‌الخصوص حقوقدانان حقوق بین‌الملل فضای ماوراء‌جوا با روحیه‌ی اتکا به قطعیت در استدلال حقوقی و همچنین قواعد مدون و الزام‌آور نسبت به وجود منطقه‌ی خاکستری تحت عنوان «حقوق نرم» در حقوق بین‌الملل فضای ماوراء‌جوا بسیار بدبین بوده اساساً ماهیت حقوقی آن را زیر سؤال می‌برند و در عوض به قواعد نوشته شده و کاملاً محدود و شفاف قابل استناد توسط دولت‌ها اقبال نشان می‌دهند. (M. Chinkin, 1989, 850-52) دلیل این امر آن است که الزام‌آوری قواعد نرم در حقوق بین‌الملل «جواز» و «عدم جواز» را در آن واحد بر نمی‌تابد و این در حالی است که قاعده‌ی نرم جایی میان این دو حالت را اشغال نموده است. به عبارتی طی حقوق نرم هیچ گاه نمی‌توان دولت را به نقض قاعده‌ی حقوقی متهم نمود. با این وجود نویسندگان به دور از انکار وجود حقوق نرم بر آن است که حقوق مذکور سه کارکرد عمده در حقوق بین‌الملل دارند. اول آنکه این حقوق در فقدان معاهدات جزئی و مؤثر حقوق بین‌الملل ناشی از اختلافات حقوقی عمیق دولت‌ها فضای ماوراء‌جوا جبران‌کننده خلأهای حقوقی می‌باشند، دوم در مواردی که هیچ مجموعه قواعد فنی و کارآمدی در زمینه‌ای خاص وجود ندارد قواعد مذکور گزینه‌های پیش روی دولت‌ها را مشخص، هدفمند و روشن خواهند ساخت. سومین و آخرین رسالت مهم حقوق نرم در حقوق بین‌الملل فضای ماوراء‌جوا نیز کاهش تنش‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی کشورهای در حال توسعه از یک طرف و

---

1. Agreement Relating to the International Telecommunications Satellite Organisation (INTELSAT), & Convention on the International Maritime Satellite Organization (INMARSAT), & Operating Agreement on the International Maritime Satellite Organization (INMARSAT)

2. European Space Agency (ESA)



کارکرد محوری حقوق نرم در فعالیتهای فضایی توسط حقوق بین‌الملل فضای ماوراء‌جو.....۹۷

دولت‌های توسعه یافته از طرف از طریق تدوین قواعد حقوقی مورد توافق نسبی و رعایت داوطلبانه می‌باشد که ذیلاً به تفصیل به هر یک از کارکردهای مذکور خواهیم پرداخت:

## ۲. کارکرد اول: قواعد نرم، پرکننده خلأهای معاهدهای حقوق

### بین‌الملل فضا

اگر چه به صورت تاریخی تدوین و تصویب معاهده مطلوب‌ترین راه قانونگذاری در فضای حقوق بین‌الملل به شمار می‌آید با این وجود به دلایل مختلف تدوین معاهده در تمامی موارد نیاز امکان پذیر نبوده است. اولین کارکرد حقوق نرم را می‌توان جبران خلأهای ناشی از نبود معاهدات کافی در حوزه‌ی حقوق بین‌الملل فضا قلمداد نمود. به عنوان مثال قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد پایه‌ی معاهدات این سازمان در خصوص حقوق بین‌الملل فضا محسوب می‌گردند. موفق‌ترین نمونه در این خصوص «اعلامیه اصول حقوقی حاکم بر فعالیتهای دولت‌ها در کاوش و بهره‌برداری از فضای ماوراء‌جو-۱۹۶۳» می‌باشد که راه را برای ایجاد معاهده‌ی فضا در سال‌های آتی هموار نمود. به همین ترتیب «کوپوس» با تهیه اسناد نرم «اصول حقوقی سنجش از راه دور زمین از فضای ماوراء‌جو» را در سال ۱۹۸۶، «کاربست مفهوم دولت پرتاب‌کننده در سال ۲۰۰۴ و «پیشنهاداتی در خصوص گسترش رویه دولت‌ها و سازمان‌های بین‌الدولی بین‌المللی در به ثبت رساندن اشیای فضایی» در سال ۲۰۰۷ در این راه گام برداشت. شورای اتحادیه اروپا نیز در سال ۲۰۱۰ با تصویب سندی تحت عنوان «پیش‌نویس تجدیدنظر شده اصول رفتاری در فضای ماوراء‌جو» به این روند کمک نمود.

زمانی که در اواخر دهه شصت میلادی زیر مجموعه کمیته حقوقی کوپوس بر لزوم ایجاد «قواعد حقوقی» در خصوص سنجش از راه دور تأکید ورزید «ایجاد قاعده‌ی حقوقی» تنها به وسیله‌ی «تدوین یک معاهده» قابل تصور بود. از آنجا که نظام اتفاق

۹۸.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و دوم، تابستان ۱۳۹۵

آراء برای تصویب چنین قواعدی توسط کوپوس مورد نیاز بود تصمیم بر آن گردید که مقررات مورد نظر از طریق مجمع عمومی سازمان ملل مورد نظرخواهی و تصویب قرار گیرد. رویه کوپوس از دهه‌ها قبل تاکنون نیز بیانگر این حقیقت است که علیرغم نیاز مبرم به معاهداتی تازه در خصوص رفتار دولتها در فضای ماوراء‌جوا لیکن با توجه به عدم امکان اتفاق آراء میان دولتها قواعد نرم را دستمایه‌ی ایجاد قواعد حقوقی تازه قرار دهند.

خلاًها معاهده‌ای موجود در زمینه حقوق بین‌الملل فضا توسط حقوق نرم به دو طریق قابل جبران هستند. اول از طریق ایجاد الگویی جهت هماهنگ‌سازی نظام‌های ملی در زمینه حقوق بین‌الملل فضای ماوراء‌جوا و دیگر تقویت و تکمیل نظام حقوق فضای ماوراء‌جوا در سطح بین‌المللی.

#### ۲-۱- قاعده نرم به عنوان هماهنگ‌کننده نظام‌های حقوقی ملی

دو موضوع واجد اهمیت در حقوق بین‌الملل فضای ماوراء‌جوا که توسط نظام قانونگذاری نرم فضای حقوق داخلی دولتها را متأثر و سعی در هماهنگ‌سازی آنها با یکدیگر نموده است عبارتند از: «کاربست مفهوم دولت پرتاب‌کننده» و «گسترش رویه دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در خصوص ثبت اشیاء فضایی»

#### ۲-۱-۱- کاربرد مفهوم دولت پرتاب‌کننده

افزایش تصاعدی کاربردهای تجاری فضای ماوراء‌جوا و اشکال مختلف پرتاب شیء فضایی تعریف دولت پرتاب‌کننده را در حقوق بین‌الملل ماوراء‌جوا (بخش الف ماده ۱ کنوانسیون مسئولیت) به کلی متحول نموده است. از اواخر دهه هشتاد میلادی این مسأله که آیا دولتی که صرفاً عمل پرتاب را انجام می‌دهد را می‌توان «دولت پرتاب‌کننده» دانست یا آنکه دولت مالک جسم پرتاب‌شونده مسئولیت را به عنوان دولت پرتاب‌کننده بر دوش خواهد داشت مورد مناقشه و مباحثه بوده است.

(Heinz-Bockestiegel, 1995, 80)

کارکرد محوری حقوق نرم در فعالیتهای فضایی توسط حقوق بین‌الملل فضای ماوراء جو..... ۹۹

پس از دو دهه عدم توافق در خصوص دکترین و رویه دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی نهایتاً در سال ۲۰۰۴ «قطعنامه ۵۹/۱۱۵ در خصوص کاربست مفهوم دولت پرتاب‌کننده» در مجمع عمومی سازمان ملل مورد تصویب قرار گرفت. لازم به ذکر است که قطعنامه مذکور در خصوص حالتی که در آن دولت یا تبعه‌ی دولت دیگری به جز دولتی که شیء فضایی در سرزمین آن به فضا پرتاب می‌شود مالک شیء پرتاب‌شونده می‌باشد هیچ حکمی صادر نمی‌کند با این وجود «پیشنهاد می‌نماید که دولت‌ها به تصویب و اجرای قوانین ملی در انطباق با کنوانسیون مسئولیت در این خصوص به ویژه در مورد پروژه‌های همکاری و پرتاب‌های مشترک اهتمام ورزند». (GA Res 115/59) بدیهی است که زمانی که یک قانون یکپارچه در تمام نظام‌های حقوقی دولت‌های عضو باشگاه فضایی مورد اجرا قرار گیرد نیازی به نظام بین‌المللی واحد آن هم از نوع معاهدات نخواهد بود چرا که با عملکرد یکسان دولت‌ها در این خصوص به آرامی استمرار رفتار یکسان دولت‌ها در این خصوص خود رکن مادی ایجاد عرف بین‌المللی در مورد مسأله را سبب خواهد شد. به عبارتی در این خصوص بدون آنکه نیازی به انعقاد معاهده میان دولت‌ها حس شده باشد با صدور قطعنامه‌های غیرالزام‌آور قاعده‌مند سازی حوزه‌ی مورد بحث عملاً انجام گرفت.

## ۲-۱-۲- گسترش رویه دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در خصوص ثبت

### اشیاء فضایی

موضوع ثبت اشیاء فضایی به نسبت به مفهوم دولت پرتاب‌کننده در نظام حقوق بین‌الملل فضا حائز وضعیت بسیار مبهم‌تری می‌باشد. با توجه به تعداد محدود دولت‌هایی که به این کنوانسیون پیوسته‌اند به نظر می‌رسد مقررات آن تکافوی تعداد دولت‌ها و شرکت‌های خصوصی مالک ماهواره را نمی‌کند. در دوره کاری بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۷ میلادی زیر مجموعه کمیته حقوقی کوپوس پیشنهادهای در خصوص گسترش رویه دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و ترغیب آنها به ثبت اشیاء فضایی مورد بررسی قرار داد و نهایتاً در سال ۲۰۰۸ تحت قطعنامه‌ای در مجمع عمومی سازمان

۱۰۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و دوم، تابستان ۱۳۹۵

ملل به تصویب رساند. (GA Res 101/62) نکته‌ی شایان اهمیت در مورد این قطعنامه در ارتباط با حقوق نرم که قطعنامه‌ی مذکور از دولت‌ها یکپارچه‌سازی نظام ملی خود را در تطبیق با نظام کنوانسیون ثبت اشیاء فضایی خواستار می‌گردد و در عین حال هیچ‌گونه الزام حقوقی از نوع قواعد الزام‌آور بین‌المللی را ضمانت اجرای مقررات مندرج در خود قرار نمی‌دهد. (ibid paras. 2 a & b) بدون تأکید صریح قطعنامه نیز اجرای پیشنهادات مندرج در آن بدون همکاری دولت‌ها و یکسان‌سازی قواعد ملی امکان‌پذیر به نظر نمی‌رسد.

۲-۲- حقوق نرم به عنوان تقویت و تکمیل کننده نظام حقوقی فضای ماوراء‌جو در سطح بین‌المللی

#### ۲-۲-۱- سنجش از راه دور و غنی‌سازی منابع اطلاعاتی فضایی

تصویب اصول پانزده‌گانه مربوط به سنجش از راه دور ۱۹۸۶ در مجمع عمومی آن هم از طریق کنسائوسوس قریب به ۱۵ سال به طول انجامید. (GA Res 65/41) روند طولانی تصویب اصول مذکور معلول اختلاف عمیق میان دولت‌های توسعه یافته و در حال توسعه در خصوص آزادی و یا حاکمیت دولت‌ها بر اطلاعات ناشی از سنجش از راه دور در خصوص منابع طبیعی فضای ماوراء‌جو بود. همزمانی آغاز پردازش موضوع با اوج اختلافات مواضع اقتصادی جهان شمال و جنوب در خصوص طرح «نظم نوین بین‌المللی اقتصادی» جهان در حال توسعه موجب گردید که هر یک از دو طرف اختلاف در مورد اصول سنجش از راه دور در حقوق بین‌الملل فضای ماوراء‌جو نیز بر نظرات خود پایفشاری نموده نرمشی نشان ندهند.

پیشرفت فناوری سنجش از راه دور و اقبال بدان در صنایع مختلف نظامی، علمی و تجاری در سال‌های پس از تصویب اصول فوق رشدی تصاعدی را تجربه نمود و این مسأله موجب گردید مباحثات زیادی در خصوص ادامه‌ی حقوقی برخی اصول از اصول پانزده‌گانه در حقوق بین‌الملل عرفی مورد بحث قرار گیرد و همچنین برخی از

کارکرد محوری حقوق نرم در فعالیتهای فضایی توسط حقوق بین‌الملل فضای ماوراءجو.....۱۰۱

اصول مذکور نیز به ادعای برخی نویسندگان مورد نسخ و ترک واقع شوند. (Gabrynowicz, 1998, 93-95) اهمیت اصول مذکور آنجا مشخص می‌گردد که توجه گردد این اصول نمونه‌های اولیه قانون‌گذاری بین‌المللی در خصوص مسأله سنجش از راه دور و به ویژه اطلاعات به دست آمده با استفاده از شیوه‌های فناوری مذکور محسوب می‌گردند. به عبارتی سنجش از راه دور از طریق اصول پانزده‌گانه ۱۹۸۶ دارای یک نظام حقوقی بین‌المللی گردیده است که با تکیه بر رویه دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در تبعیت از این اصول بدون الزام آوری اصول مذکور می‌باشد. شاید به ذهن برسد که این طبیعت شکل‌گیری هر عرف بین‌المللی می‌باشد با این وجود نباید از خاطر برد که برای شکل‌گیری عرف بین‌المللی علاوه بر اعتقاد به الزام‌آوری قاعده‌ی دولت یا سازمان بین‌المللی تبعیت‌کننده از عرف توسط آنها وجود یک رویه‌ی مادی واحد و عملکرد مشترک نیز مقدمه‌ی الزامی می‌باشد و بدون وجود پیشنهادات مجمع عمومی در خصوص سنجش از راه دور ممکن می‌بود پراکندگی در عملکرد بازیگران بین‌المللی چنان طیف وسیعی از رفتار تابعان حقوق بین‌الملل را شکل دهد که اساساً ایجاد قاعده‌ی واحد در این خصوص غیرممکن گردد. نقطه‌ی اوج همکاری بین‌المللی در اصول پانزده‌گانه مربوط به سنجش از راه دور ۱۹۸۶ را می‌توان در اصول دهم و یازدهم سند مشاهده نمود. اصل دهم و یازدهم از اصول مذکور به ترتیب بر استفاده از فناوری مذکور در حفاظت از محیط زیست و حمایت از انسان در برابر بلایای طبیعی با استفاده از این فناوری می‌پردازند.

(GA Res 65/41, Principles X & XI) بر اساس اصول فوق‌الذکر کشورها

هرگونه اطلاعاتی را که از طریق سنجش از راه دور مبنی بر وجود پدیده مضر به حال محیط زیست و یا مشکوک به ایجاد ضایعه طبیعی به دست می‌آورند بدون فوت وقت علنی خواهند نمود.

۱۰۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و دوم، تابستان ۱۳۹۵

## ۲-۲-۲ منشور سوانح و دیگر نظام‌های به وجود آمده تحت حقوق نرم

«منشور سوانح»<sup>۱</sup> نیز از دیگر اسنادی می‌باشد که در سال ۲۰۰۰ بدون الزام حقوقی و ناشی از ابتکار حقوق نرم در حقوق بین‌الملل فضای ماوراء جو متولد شده است. بر اساس این سند مرکزی متشکل از آژانس‌های فضایی و ارائه‌دهندگان خدمات فضایی به اشتراک داده‌ها و اطلاعات در اختیار خود در زمان بروز سوانح طبیعی و انسانی می‌پردازند (Charter on Cooperation to Achieve, 2000, art.1) با توجه به نرم بودن تعهدات مندرج در سند مذکور هیچ‌گونه الزام حقوقی برای اجرای آن توسط تابعان حقوق بین‌الملل که مطابق آن عمل می‌کنند وجود ندارد و تمامی اقدامات صورت گرفته به موجب تعهدات مندرج در سند به صورت داوطلبانه انجام می‌پذیرد. (ibid, art.3) از دیگر نظام‌های هماهنگ به وجود آمده توسط قواعد نرم حقوق بین‌الملل فضای ماوراء جو می‌توان به اصول «تبادل اطلاعات ماهواره‌ای»<sup>۱</sup> «کمیته ماهواره‌های رصدکننده زمین»<sup>۲</sup> اشاره نمود. اصول مذکور در دو سند مجزا انعکاس یافته‌اند: سند «اصول تبادل اطلاعات ماهواره‌ای کمیته ماهواره‌های رصدکننده زمین در خصوص اطلاعات راجع به تغییرات جهانی آب و هوا»<sup>۳</sup> و «اصول تبادل اطلاعات ماهواره‌ای کمیته ماهواره‌های رصدکننده زمین در خصوص اطلاعات کاربردی زیست محیطی»<sup>۴</sup>. هر دو سند انتشار اطلاعات زیست محیطی و راجع به تغییرات جهانی آب و هوا را نه تنها میان اعضا بلکه به صورت اشتراک همه جانبه جهانی ایجاب می‌دارند. (CEOS 1 & CEOS 2, Principle 6) با رشد و توسعه عملکرد دولت‌ها و حتی بخش خصوصی در فناوری ماهواره‌های به ویژه در بخش رصد زمین کمیته‌ی مذکور جایگاه خود را در معادلات حقوق بین‌الملل فضای ماوراء جو یافت و در سال ۱۹۸۷

- 
1. Disaster Charter
  1. Satellite Data Exchange
  2. The Committee on Earth Observation Satellites (CEOS)
  3. CEOSs Satellite Exchange Principles for Global Change Data (CEOS 1)
  4. CEOSs Satellite Exchange Principles for Operational Environmental Data (CEOS 2)

کارکرد محوری حقوق نرم در فعالیت‌های فضایی توسط حقوق بین‌الملل فضای ماوراءجو.....۱۰۳

«اتحادیه شرکای یکپارچه‌سازی راهبرد رصد»<sup>۱</sup> با شرکت این کمیته و دوازده زیرمجموعه از خانواده ملل متحد در راستای ایجاد سیاست‌های هماهنگ رصد و انجام پروژه‌های مشترک با استفاده از داده‌های کمیته تأسیس گشت.

اهمیت این نظام‌سازی‌ها آنجا مشخص می‌گردد که توجه کنیم نظام‌های مذکور به نسبت معاهدات سازمان ملل در خصوص فضای ماوراءجو بسیار جزئی‌نگر، جامع و خاص می‌باشند. این خصوصیات دقت و کارآمدی مقررات به وجود آمده را دوچندان خواهد نمود و موجب خواهد شد که ولو بدون قوه‌ی قاهره به صورت فراگیر از سوی دولت‌ها و اتباع آنها مورد رعایت و تبعیت قرار گیرد.

پروژه «سکوی اطلاعات فضایی سازمان ملل برای مدیریت سوانح و واکنش اضطراری» «دفتر امور فضای ماوراءجو سازمان ملل»<sup>۲</sup> نیز از دیگر فعالیت‌های تحت تأثیر تدریجی همین قواعد نرم بوده است. رسالت پروژه مذکور فراهم نمودن امکان استفاده از مجموعه اطلاعات فضایی بدون هر گونه محدودیت در راستای مدیریت بحران و ظرفیت‌سازی در این خصوص به ویژه برای کشورهای در حال توسعه می‌باشد. به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر منابع اطلاعاتی این پروژه از اطلاعات به دست آمده از طریق سنسجش از راه دور فراتر رفته تمام فناوری فضایی را در راستای ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی مورد استفاده در زمان بحران به خدمت گرفته است.

## ۲-۲-۲- اصول رفتاری در فضای ماوراءجو

«پیش‌نویس تجدیدنظر شده اصول رفتاری در فضای ماوراءجو» که در سال ۲۰۱۰ توسط شورای اتحادیه اروپا مورد تصویب قرار گرفت از اسناد دیگری می‌باشد که به نظر آغاز کننده راه نظامی‌نویس در حقوق بین‌الملل فضای ماوراءجو می‌باشد.

در سپتامبر ۲۰۰۷ دولت پرتغال به نمایندگی از اتحادیه اروپا طرح پیشنهادی خود را به کمیته اول مجمع عمومی در خصوص تشریح قانون جامع اشیاء و فعالیت‌های

---

1. Integrated Global Observing Strategy Partnership (IGOS-P)  
2. United Nations Office for Outer Space Affairs (UNOOSA)

۱۰۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و دوم، تابستان ۱۳۹۵

فضایی تقدیم نمود. هدف این کمیته در نشست‌های مذکور تصویب سندی غیرالزام‌آور در راستای آشتی دو مفهوم «امنیت فضایی»<sup>۱</sup> و «ایمنی فضایی»<sup>۲</sup> بود و در این راستا وجود قواعد و مقرراتی در خصوص مدیریت ترافیکی فضای ماوراء‌جو، مقابله با پسماندهای فضایی و ایجاد شفافیت و اعتمادسازی بین‌المللی فضایی ضروری می‌نمود. دغدغه‌های مذکور منجر به تصویب قطعنامه‌ی ۶۲/۱۱۴ مجمع عمومی سازمان ملل با عنوان «اقدامات شفافیت و اعتمادسازی در فعالیت‌های فضای ماوراء‌جو» در سال ۲۰۰۷ گردید. (GA RES A/62/114) اخذ بازتاب مثبت از فضای بین‌المللی اتحادیه را بر آن داشت تا موافقتنامه‌ای را تحت عنوان «پیش‌نویس قانون رفتاری» در شورای امور عمومی و روابط خارجی اتحادیه در ۸ دسامبر ۲۰۰۸ مورد تصویب قرار دهد. جلوگیری از تصادم اشیای فضایی با یکدیگر، اطلاع از تأثیرات احتمالی فعالیت فضایی یک دولت بر دولت‌های عضو، حصول و تبادل اطلاعات، توسعه پایدار قرین امنیت و ایمنی فعالیت‌های فضایی، تبعیت از کمیته علمی و فنی کوپوس در ایجاد یک مجموعه قواعد رفتاری، ایجاد یک سازکار مذاکره و مشاوره، سازکار هیأت تحقیق و تطبیق اجرا و تفسیر موافقتنامه با حقوق بین‌الملل از عمده موضوعات مورد قانونگذاری ذیل سند می‌باشد. (Council of the European Union, 2008, 1-9) سند مذکور تاکنون مورد استفاده‌ی بسیاری از کشورهای عضو باشگاه فضایی قرار گرفته است و امید می‌رود در صورتی که تبعیت از قواعد این سند در طول زمان ادامه یابد بسیاری از مندرجات آن وارد حقوق بین‌الملل عرفی گردد.

- 
1. Space Security
  2. Space Safety



کارکرد محوری حقوق نرم در فعالیتهای فضایی توسط حقوق بین‌الملل فضای ماوراء‌جو.....۱۰۵

۳. حقوق نرم: توسعه گزینه‌های پیش روی دولت‌ها در هنجارسازی

### بین‌المللی حقوق بین‌الملل حاکم بر فضای ماوراء‌جو

علیرغم حاکم بودن نظام موجود بین‌المللی بر فضای ماوراء‌جو و به رسمیت شناختن دولت‌ها به عنوان محور شکل‌دهنده روابط بین‌المللی بسیاری از نیازهای یک نظام حقوقی دقیق و جامع در خصوص فضا در نظام مذکور با تکیه صرف بر دولتها بی‌پاسخ خواهند ماند و یا لاقلاً پاسخ‌های موجود پاسخگوی نیازهای روزافزون فعلی نخواهند بود. علی‌الخصوص در بخش‌های فنی استفاده از فضای ماوراء‌جو و فناوری فضایی نیاز به وجود قواعد خاص و ریز به دور از سیاست‌ورزی و صلاح‌دید بین‌الدولی در فضای بین‌المللی محسوس می‌باشد. از جمله بخش‌های فنی مذکور می‌توان مقررات استفاده از «منابع انرژی هسته‌ای»<sup>۱</sup> و مقابله با پسماندهای فضایی را بهترین نمونه‌ها دانست.

#### ۳-۱- قاعده‌مهندسازی استفاده از منابع انرژی هسته‌ای در فضای ماوراء‌جو

در ۲۴ ژانویه ۱۹۷۸ ماهواره کاسموس متعلق به شوروی سابق منهدم گردید با این وجود قطعاتی از آن که حاوی بقایای سوخت هسته‌ای آن و آلوده به رادیواکتیو بود در بخش‌هایی از کانادا سقوط نمود و منطقه را تا صد برابر بیش از حد استاندارد انسانی به تشعشعات اتمی آلوده نمود. اساساً تلاش‌ها در راستای هنجارسازی بین‌المللی در خصوص استفاده از منابع انرژی هسته‌ای پس از حادثه‌ی مذکور آغاز گشت. اصول و دستورالعمل‌های داوطلبانه راجع به استفاده از منابع انرژی هسته‌ای که در سال ۱۹۹۲ توسط کمیته حقوقی کوپوس در زیر مجموعه علمی و فنی آن مورد بحث قرار گرفت از نخستین تلاش‌ها در راستای ایجاد توافق و یک معاهده‌ی بین‌المللی در خصوص استفاده از منابع انرژی هسته‌ای در فضا محسوب می‌گردد که ریشه در گذشت‌های به قدمت ورود انرژی هسته‌ای به صورت جایگزین انواع دیگر انرژی در مناسبات فناوری

---

1. Nuclear Power Sources (NPS)

داشت. با این وجود در دو دهه فاصله میان رخداد حادثه و تصویب اولین سند مدون بین‌المللی در خصوص استفاده از انرژی هسته‌ای در فضای ماوراء‌اجو زمانی که دولت‌ها در مسیر تدوین قواعد مذکور هنوز به هیچ‌گونه توافق قابل توجهی دست نیافته بودند کارشناسان فنی این حوزه دست از تلاش برنداشته و در سال ۱۹۸۳ در «کمسیون بین‌المللی حفاظت در برابر تشعشعات هسته‌ای»<sup>۱</sup> دفتر امور فضای ماوراء‌اجو سازمان ملل «دستورالعمل حاوی پیشنهادهایی در خصوص حفاظت از تشعشعات هسته‌ای ناشی از تجهیزات به کار برده شده در فعالیت‌های فضایی» را تهیه نمودند.

UNOOSA DOC. A/AC.105/C.2/L.137, 1983 در همان سال کمیته حقوقی کوپوس پیشنهادهای مندرج در دستورالعمل خود را برای اولین بار در فضای بین‌الدولی حقوق بین‌الملل فضای ماوراء‌اجو مورد توجه و بررسی خود قرار داد که منجر به تصویب سند «اصول راجع به استفاده از منابع انرژی هسته‌ای»<sup>۲</sup> در فضای ماوراء‌اجو به کنسانسوس دولتها در کوپوس و سپس در مجمع عمومی سازمان ملل گردید. (UNOOSA Principles, 1983, principle 3) اصول مذکور استفاده از منابع انرژی هسته‌ای را تنها به مأموریت‌هایی منحصر و محدود نمود که امکان استفاده از هیچ‌گونه انرژی جایگزینی در آن ممکن نباشد. (Ibid, principle 3) همچنین در همان موارد ضرورت نیز محدودیت‌های خاصی در خصوص رآکتورهای دارای خطر قابل توجه و تشویق به استفاده از ژراتورهای ایمن‌تر مورد ملاحظه قرار گرفت.

Ibid, Principle 3.2 & 3. در اوایل قرن بیست و یکم هنگامی که پروژه‌های بین سیاره‌ای با و بدون سرنشین متعددی از سوی بازیگران عرصه فعالیت‌های فضایی طراحی گردید و در مرحله‌ی تحقیقات قرار گرفت این امر بر محققین مسلم شد که بدون استفاده از انرژی هسته‌ای دستیابی به اهداف بسیاری از پروژه‌های مذکور ناممکن خواهد بود و بدین ترتیب حذف انرژی هسته‌ای علیرغم خطرات موجود از پروژه‌های

---

1. International Commission on Radiological Protection (ICPR)  
2. Principles Relevant to the Use of Nuclear Power Sources in Outer Space

کارکرد محوری حقوق نرم در فعالیت‌های فضایی توسط حقوق بین‌الملل فضای ماوراءجو.....۱۰۷

فضایی امری ناممکن تلقی گردید. در نتیجه تحولات مذکور کمیته علمی و فنی دفتر امور فضای ماوراءجو سازمان ملل با هدف ایجاد استانداردهای یکپارچه در راستای تضمین ایمنی در استفاده از انرژی هسته‌ای در صنعت فضایی چارچوب عمل ایمنی را با همکاری آژانس بین‌المللی انرژی اتمی<sup>۱</sup> در این حوزه در دستور کار خود قرار داد. تدوین «چارچوب عمل به کارگیری منابع انرژی هسته‌ای در فضای ماوراءجو»<sup>۲</sup> در سال ۲۰۰۹ (یک سال پیش از زمان مقرر بر اساس برنامه کاری)

(GA Committee on the Peaceful Uses of Outer Space A/AC.105/890, para.113)

توسط کمیته علمی و فنی دفتر امور فضای ماوراءجو سازمان ملل منتشر شد.

(GA Res Scientific and Technical Subcommittee on the Peaceful Uses of Outer Space, 2009)

چارچوب عمل مذکور اقدامات ایمنی معینی را در مراحل مختلف پرتاب، بهره‌برداری و خروج از سرویس تولیدکنندگان انرژی هسته‌ای در صنعت فضا می‌پردازد. توجه ویژه بخشی از چارچوب عمل مذکور به رفع نگرانی‌های کشورهای در حال توسعه به وسیله دستورالعمل‌های جزئی و فنی معطوف گردیده است (Ibid, Preface) بعلاوه چارچوب عمل از دولت‌ها درخواست می‌کند که به صورت داوطلبانه راهبردهایی را از طریق قانونگذاری ملی تدوین و از طریق ابتنای رفتار دولت بر راهبردهای مذکور به ترویج بین‌المللی آنها مبادرت ورزند. (Ibid) برنامه‌ی کمیته علمی و فنی دفتر امور فضای ماوراءجو سازمان ملل تا سال ۲۰۱۵ نشانگر عزم کمیته برای تسهیل اجرای چارچوب عمل مذکور در سال‌های آتی می‌باشد. (STSC, A/AC.105/958)

---

1. Interantional Atomic Energy Agency (IAEA)  
2. Framework for Nuclear Power Sources Applications in Outer Space

### ۳-۲- «پسماند فضایی»<sup>۱</sup>

در اواخر دهه هشتاد میلادی بر نگرانی‌های جامعه بین‌المللی در خصوص پسماند فضایی افزوده شد. مذاکرات و برنامه‌های مختلف همکاری که در خصوص پسماندهای فضایی میان ناسا و آژانس‌های فضایی مختلف صورت گرفت نهایتاً به تأسیس «کمیته آژانس‌های همکاری در خصوص پسماند فضایی»<sup>۲</sup> به عنوان مرجعی غیردولتی برای تبادل اطلاعات و تسهیل همکاری در خصوص مطالعات و آزمایش‌های مقابله با پسماند فضایی منجر شد. کمیته مذکور اولین دستورالعمل خود در خصوص مقابله با (IADC Guidelines, 2002, p.1) پسماند فضایی را در سال ۲۰۰۲ منتشر کرد. این دستورالعمل در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۷ مورد تکمیل و اصلاح قرار گرفت. IADC Support Documents, Guidelines 1-8 دستورالعمل‌های کمیته تمام مراحل یک ساخت یک شیء فضایی، فرایند قرار دادن آن در مدار و خارج کردن آن از مدار را در بر می‌گیرد. تلاش‌های کمیته همکاری در خصوص پسماند فضایی با مطرح نمودن و ترویج دستورالعمل‌های خود مبنای انعکاس خود در مقررات بین‌المللی بین‌الدولی از جمله «دستورالعمل‌های مقابله با پسماند فضایی»<sup>۳</sup> کوپوس گردید. در سال ۲۰۰۱ کمیته علمی و فنی کوپوس از کمیته میان آژانسی همکاری در خصوص پسماند فضایی درخواست نمود که دستورالعمل‌های خود را در خصوص مقابله با معضل پسماند فضایی برای ابلاغ و پیشنهاد به دولت‌ها جهت درج در قوانین ملی خود و تبعیت داوطلبانه از آنها در اختیار کمیته بگذارد. (UNCOPUOS STSC A/AC.105/761, 2002, para.130) در سال ۲۰۰۲ کمیته میان آژانسی همکاری در خصوص پسماند فضایی طرح پیشنهادی خود را به کوپوس تقدیم نمود.

UNCOPUOS STSC A/AC.105/C.1/L.260, 2002, para.94)

- 
1. Space Debris
  2. Inter-Agency Space Debris Coordination Committee
  3. Space Debris Mitigation Guidelines

کارکرد محوری حقوق نرم در فعالیت‌های فضایی توسط حقوق بین‌الملل فضای ماوراء‌جو.....۱۰۹

در سال ۲۰۰۷ کمیته علمی و فنی کوپوس دستورالعمل‌های کمیته را مورد بررسی نهایی قرار داد و نهایتاً دستورالعمل نهایی توسط مجمع عمومی سازمان ملل به عنوان بخشی از قطعنامه گزارش سالانه در خصوص همکاری بین‌المللی در مورد استفاده صلح‌آمیز از فضای ماوراء‌جو در سال ۲۰۰۷ مورد تأیید قرار گرفت. (STSC, 99 para. 2007, A/AC.105/890) اهمیت دستورالعمل کمیته در خصوص مقابله با پسماند فضایی از انجا نشأت می‌گیرد که ابتکار فرآیند قانونگذاری آن با دخالت هیچ دولتی آغاز نگردید و بخش خصوصی با تکیه بر دانش علمی و فنی و به دور از سیاست‌ورزی دولت‌ها اقدام به تدوین دستورالعمل مذکور نمود و پس از تدوین و تکوین دستورالعمل بود که دولت‌ها نظام از قبل به وجود آمده توسط خودشان را تحت قواعد نرم و به صورت داوطلبانه به مرحله‌ی اجرای بین‌المللی درآوردند. این دستورالعمل را می‌توان یک نمونه‌ی به تمام معنا از قواعد و مقررات نرم به عنوان توسعه دهنده گزینه‌های پیش روی دولت‌ها در هنجارسازی بین‌المللی حقوق بین‌الملل حاکم بر فضای ماوراء‌جو دانست. حساسیت دولت‌ها و نمایندگان آنها به ادبیات و یکایک جمله‌بندی‌های مندرج در سند بین‌المللی موجب گردیده است که سند اخیر از دستورالعمل اولیه کمیته میان آژانسی همکاری در خصوص پسماند فضایی بسیار خلاصه‌تر تنظیم گردد و به همین دلیل همچنان به صورت سندی مرجع جهت تفسیر و اجرای صحیح اصول مدنظر مجمع عمومی سازمان ملل در خصوص مقابله با پسماند فضایی باقی بماند.

#### ۴. حقوق نرم به عنوان قانون مناسب قابل اعمال در پیشگیری از

##### رویارویی شمال و جنوب اقتصادی

در حقوق بین‌الملل فضا «اعلامیه اصول راهنمای یونسکو در خصوص استفاده از پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی از طریق ماهواره در راستای جریان آزاد

۱۱۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و دوم، تابستان ۱۳۹۵

اطلاعات، نشر آموزش و تبادل فرهنگی گسترده‌تر<sup>۱</sup> و همچنین «قطعنامه‌ی اصول حاکم بر فعالیت‌های دولت‌ها در زمینه‌ی استفاده از اقمار مصنوعی برای پخش برنامه‌های تلویزیونی» (۱۹۸۲)<sup>۲</sup> دو نمونه‌ی عمده از قواعد نرم ایجاد شده در راستای ایجاد روابط دوستانه، آشتی و تفاهم و تبادل فرهنگی میان ملتها و دولت‌ها محسوب می‌گردند.

(UNESCO 17<sup>th</sup> GA Principles, 1972, & GA Res. 37/92, 10<sup>th</sup> December 1982)

کمک به جریان آزاد اطلاعات از طریق برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی برای اولین بار در «اتحادیه بین‌المللی ارتباطات از راه دور»<sup>۳</sup> در سال ۱۹۶۳ مطرح گردید. این در حالی بود که در آن زمان کشورهایی همچون اتحاد جماهیر شوروی سابق، امارات متحده عربی، برزیل، مکزیک و هند از اساس مخالف پخش آزاد برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی بودند. (ITU Discussions, 1979, 100) در سال ۱۹۷۲ مجمع عمومی سازمان ملل طی قطعنامه ۲۹۱۶ کوپوس را بر آن داشت که در خصوص پخش مستقیم برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی با توجه به اعلامیه اصول یونسکو مجموعه مقررات نرمی را که منافع تمامی دولت‌ها را تأمین نماید تدوین کند. 9<sup>th</sup>, GA Res. 2916 (November 1972) بر اساس اعلامیه اصول راهنمای یونسکو کشور فرستنده امواج رادیویی و تلویزیونی موظف بود پیش از ارسال امواج به دولت گیرنده رضایت وی را با در نظر گرفتن جریان آزاد اطلاعات جلب نماید.

#### UNESCO Declaration of Guiding Principles, art. IX 1

لزوم جلب رضایت دولت گیرنده در نوع خود پیروزی بزرگی برای مجموعه مشوره‌های دریافت کننده بالقوه و بالفعل امواج رادیویی و تلویزیونی محسوب می‌گردد. مجموعه مذکور از قضا عمدتاً کشورهای بلوک شرق و دولت‌های در حال

---

1. Declaration of Guiding Principles on the Use of Satellite Broadcasting for the Free Flow of Information, the Spread of Education and Greater Cultural Exchange

2. Principles Governing the Use by States of Artificial Earth Satellites for International Direct Television Broadcasting

3. International Telecommunication Union (ITU)

کارکرد محوری حقوق نرم در فعالیتهای فضایی توسط حقوق بین‌الملل فضای ماوراء‌جو.....۱۱۱

توسعه را شامل می‌گردید. با این وجود از آنجا که تصویب طرح در نظام کوپوس نیازمند وفاق عام دولت‌ها می‌بود و دولت‌های عمده صنعتی فرستنده امواج رادیویی و تلویزیونی مخالف سرسخت الزام‌آوری لزوم جلب رضایت دولت دریافت‌کننده امواج بودند اتفاق در مورد مسأله حاصل نگردید پیش‌نویس طرح پس از یک دهه کشمکش بی‌نتیجه به مجمع عمومی ارجاع گردید با این امید که با تکیه بر اکثریت آراء مورد تصویب قرار گیرد. در نهایت طرح «اصول حاکم بر فعالیتهای دولت‌ها در زمینه‌ی استفاده از اقمار مصنوعی برای پخش برنامه‌های تلویزیونی» در سال ۱۹۸۲ قالب قطعنامه‌ی ۳۷/۹۲ مجمع عمومی سازمان ملل به رأی گذارده و تصویب گردید. ۱۳ کشور فرستنده امواج رادیویی و تلویزیونی که در اختلاف حقوقی مذکور از رویکرد کشورهای توسعه یافته حمایت می‌نمودند به قطعنامه رأی مخالف داده بر لزوم آزادی اطلاعات تأکید ورزیدند و ۱۳ دولت دیگر نیز به قطعنامه رأی ممتنع دادند. با وجود آنکه مباحثات مذکور اختلافات عمیق دولت‌ها را که در دهه هفتاد میلادی تنش‌ها را میان بلوک شرق و غرب از یک طرف کاهش داده زمینه‌های همکاری میان دولت‌های در حال توسعه و توسعه یافته را به سهم خود از ورطه‌ی تیرگی دور می‌ساخت با این وجود نتیجه‌ی این اصول و قواعد در همین حد باقی ماند و عدم استقبال دولت‌های عمده فرستنده امواج رادیویی و تلویزیونی این مقررات از جمله لزوم جلب رضایت دولت گیرنده پیش از ارسال امواج راه را بر ادامه یافتن آن ضمن معاهده یا قاعده‌ی بین‌المللی عرفی تا حد زیادی سد نمود.

از دیگر مجموعه مقرراتی که در طول تدوین و پس از شکل‌گیری آن در عادی‌سازی روابط میان شمال و جنوب اقتصادی نقش مثبت و سازنده‌ای ایفا نمود «اعلامیه همکاری بین‌المللی در استخراج و بهره‌برداری از فضای ماوراء‌جو با احتساب ویژه منافع تمام دولت‌ها علی‌الخصوص نیازهای کشورهای در حال توسعه» (UNGA RES. 51/122 مصوب ۱۹۹۶ مجمع عمومی سازمان ملل و سند «برخی جنبه‌های

۱۱۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و دوم، تابستان ۱۳۹۵

استفاده از مدار زمین‌آهنگ» (UNCOPUOS LSC) (۲۰۰۰ کمیته حقوقی کوپوس دو نمونه مهم به شمار می‌روند.

( GA Res. 51/122, 1996 & UNCOPUOS LSC A/AC.105/411, 2000)

با این وجود با توجه به رویه دولت‌ها در خصوص رعایت این دسته از قواعد به ظاهر آشتی دهنده میان منافع کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته صرف تدوین اسناد مذکور به خودی خود به معنای تغییر جهت و شیوه‌ی توزیع ثروت در جهان توسط حقوق بین‌الملل نیست و در ارزیابی تأثیر اسناد مذکور در تغییر روند نابرابر توزیع منابع جهانی در سطح بین‌المللی نمی‌بایست از حد اعتدال فراتر رفت.

### نتیجه‌گیری

با در نظر گرفتن نکاتی که فوقاً مورد تشریح قرار گرفت می‌توان گفت تا آینده‌ای نامشخص و تا زمانی که نظم موجود بر معادلات جهانی حقوق بین‌الملل فضای ماوراء‌اجو حاکم است در خصوص قواعد فنی و علمی و «به دور از قواعد ماهوی هنجاری» حقوق نرم بهترین گزینه در میان شیوه‌های ممکن قاعده‌مندسازی قابل اجرا توسط دولت‌ها به صورت یکپارچه و هماهنگ خواهد بود. برای جهت‌دهی به نحوه تنظیم و تدوین این گونه قواعد می‌توان معاهده فضای ماوراء‌اجو سازمان ملل را مبنا قرار داد و از اصول پذیرفته شده مندرج در آن بهره برد.

دیگر آنکه با توجه به نقش قابل توجه فناوری فضایی در تعریف و حتی بازتعریف توازن قوای اقتصادی، نظامی و راهبردی دولت‌های مختلف در مقابل یکدیگر توافق کشورها بر سر مسائل مشروح و چالش‌برانگیز فضا در قالب معاهداتی جامع در آینده‌ای قابل پیش‌بینی بعید به نظر می‌رسد. در خلأ حقوقی موجود ناشی از عدم امکان تدوین قواعد سخت حقوق بین‌الملل در قالب معاهده حقوق نرم می‌تواند با ابتکار خود و با همکاری بازیگران مختلف خصوصی و دولتی فعال در زمینه فضا فقدان معاهدات جامع فضایی را تا حد قابل توجهی جبران نماید و راه را برای حصول توافق و ایجاد اسناد



کارکرد محوری حقوق نرم در فعالیتهای فضایی توسط حقوق بین‌الملل فضای ماوراء‌جو..... ۱۱۳

الزام‌آور در خصوص قواعد نرم تدوین شده توسط دولت‌ها هموار کند. حقوق نرم به دو صورت قابلیت کاستن از خلأ فقدان معاهدات کافی در حقوق بین‌الملل فضای ماوراء‌جو جهت مدیریت بهینه فضا را دارا است. اول آنکه قواعد منظم و یکپارچه‌های را به دولت‌های مختلف پیشنهاد داده و از آنها بخواهد که در راستای ایجاد نظمی فنی و علمی در فضای ماوراء‌جو بر اساس اصول همکاری و به صورت داوطلبانه آنها را به مرحله‌ی اجرا گذارند. دیگر آنکه در موارد عمدتاً علمی و فنی و با مشارکت بخش خصوصی و تشخیص نیازهای روزآمد حقوقی صنعت فضا قواعدی را تدوین و از بازیگران مختلف دولتی و خصوصی بخواهد که در سطح بین‌المللی (با یا بدون تصویب مقررات در حقوق داخلی خود) از مقررات تدوینی به صورت داوطلبانه تبعیت کنند. هر دو صورت تدوین حقوق نرم (چه به صورت قانونگذاری یکپارچه در سطح ملی و چه ایجاد نظام‌های بین‌المللی علمی و فنی نرم) در حقوق بین‌الملل نرم فضای ماوراء‌جو می‌تواند با اعتقاد حقوقی تدریجی دولت‌ها نسبت به الزام‌آور تلقی نمودن قواعد شکل گرفته و استمرار رعایت آنها به صورت عرف بین‌المللی و چه بسا معاهده در آن حوزه‌ی خاص به قواعدی سخت و الزام‌آور تبدیل گردند. «به کارگیری مفهوم دولت پرتاب‌کننده» و «گسترش رویه دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در خصوص ثبت اشیاء فضایی» از نمونه‌های قانونگذاری یکپارچه‌ی ملی و «سنجش از راه دور و غنی‌سازی منابع اطلاعاتی فضایی» و «اصول رفتاری در فضای ماوراء‌جو» را می‌توان نمونه‌های موضوعی قابل استناد در خصوص نظام‌سازی بین‌المللی قواعد نرم حقوق بین‌الملل فضای ماوراء‌جو تلقی نمود.

گاه فقدان مقررات الزام‌آور در برخی موضوعات حقوق بین‌الملل فضا نه از اختلاف حقوقی دولت‌ها با یکدیگر بلکه از آنجا نشأت می‌گیرد که اساساً قاعده‌ای به صورت عمومی نظر دولت را به عنوان قاعده قابل اجرا در آن موضوع خاص جلب ننموده است چه رسد به آنکه قاعده مورد اختلاف دولت‌ها قرار گیرد.

منافع بالفعل و بالقوه‌ی فعالیت‌های فضایی و روند کاهشی منابع زمین دولت‌های صاحب فناوری فضایی و دولت‌های در حال توسعه‌ای که ریشه تاریخی و تمدنی خود را در پیشرفت تمدن فعلی غرب مؤثر و غرب را و مدار دستاوردهای خود می‌دانند در خصوص حقوق مربوط به «توسعه» و «توزیع ثروت‌های در دسترس بشریت» رو در روی یکدیگر قرار داده است. اگر چه مذاکرات طولانی (به مدت قریب به نیم قرن نتیجه نابرابر رشد و توسعه کشورها را به نسبت یکدیگر و همچنین نحوه‌ی توزیع منابع را در محیط بین‌المللی تغییر نداده است و حتی به اجرای همین اسناد محدود نیز منتهی نگشته است لیکن باید توجه داشت که هر یک از بحران‌های میان مجموعه دولت‌های شمال و جنوب اقتصادی می‌توانست مبنای بحران‌های فرهنگی، اقتصادی و چه بسا نظامی باشد که در طول چندین دهه مذاکره و تدوین قواعدی ولو کمرنگ همچنان سر باز نموده‌اند. «اعلامیه اصول راهنمای یونسکو در خصوص استفاده از پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی از طریق ماهواره در راستای جریان آزاد اطلاعات، نشر آموزش و تبادل فرهنگی گسترده‌تر»، «قطعنامه‌ی اصول حاکم بر فعالیت‌های دولت‌ها در زمینه‌ی استفاده از اقمار مصنوعی برای پخش برنامه‌های تلویزیونی»، «اعلامیه همکاری بین‌المللی در استخراج و بهره‌برداری از فضای ماوراءجو با احتساب ویژه منافع تمام دولت‌ها علی‌الخصوص نیازهای کشورهای در حال توسعه» و سند «برخی جنبه‌های استفاده از مدار ثابت ماهواره‌ای» نمونه‌های بارز اسناد نرم با این کارکرد به شمار می‌روند. با این حال باید توجه داشت که در جهان کنونی که منافع دولت‌ها (و منفعت جامعه‌ی بین‌المللی به عنوان یک کل مستقل) اگر نگوئیم مبنای حقوق بین‌الملل مبنای رفتار دولت‌ها را شکل می‌دهد هیچ یک از امثال اسناد مذکور نتوانسته فاصله‌ی روزافزون جهان توسعه یافته و در حال توسعه را کم کرده و یا از سرعت آن بکاهد که هر روز به صورت تصاعدی بر آن افزوده نیز می‌گردد. در شرایط موجود برای ایجاد صلحی پایدار و جلوگیری از تنش‌ها و بروز احتمالی منخاصمه در دوران پسامدرن بین‌المللی بر سر منابع هر روز محدودتر در دسترس بشریت رو به تکثیر جمعیتی ایجاد

کارکرد محوری حقوق نرم در فعالیتهای فضایی توسط حقوق بین‌الملل فضای ماوراءجو.....۱۱۵

قواعد وحدت ساز و مؤثرتری نسبت به قواعد نرم و دور از مرحله‌ی اجرای کنونی در حقوق بین‌الملل فضای ماوراءجو ضرورت جامعه‌ی جهانی می‌باشد.

## منابع و مأخذ

1. Agreement Relating to the International Telecommunications Satellite Organisation (INTELSAT), Washington, 20<sup>th</sup> August 1971 & Convention on the International Maritime Satellite Organization (INMARSAT), London, 3<sup>rd</sup> September 1976 & Operating Agreement on the International Maritime Satellite Organization (INMARSAT), London, 3<sup>rd</sup> September 1976.
2. Charter on Cooperation to Achieve the Coordinated Use of Space Facilities in the Event of Natural or Technological Disasters, 25 April 2000.
3. Council of the European Union, 17175/08, 17<sup>th</sup> december 2008.
4. GA Committee on the Peaceful Uses of Outer Space A/AC.105/890.
5. GA Res 101/62
6. GA Res 115/59
7. GA Res 65/41
8. GA RES A/62/114
9. GA Res Scientific and Technical Subcommittee on the Peaceful Uses of Outer Space, A/AC.105/C.1/L.292 /Rev.2
10. GA Res. 1348, 1472, 1721, 1962 & 1963.
11. GA Res. 2625 24<sup>th</sup> October 1970. ; GA Res. 3281, 12 december 1974.
12. GA Res. 2916, 9<sup>th</sup> November 1972.
13. GA Res. 51/122, 13<sup>th</sup> December 1996; UNCOPUOS LSC A/AC.105/411, 20<sup>th</sup> April 2000
14. Gabrynowicz Joanne Irene, Defining Data Availability for Commercial Remote Sensing Systems: under United States Federal Law, XXIII Annales of Air and Space Law, 1998.
15. Heinz-Bockestiegel Karl, The Term Launching State in International Space Law, proceedings of the 37<sup>th</sup> Colloquium on the Law of Outer Space, 1995.

کارکرد محوری حقوق نرم در فعالیتهای فضایی توسط حقوق بین‌الملل فضای ماوراء‌جو.....۱۱۷

16. IADC Space Debris Mitigation Guidelines 02-01, 15 october 2002.

17. IADC Support Documents to Space Debris Mitigation Guidelines , AI. 20.3 ; IADC IADC Space Debris Mitigation Guidelines 01-08, 8 February 2008.

18. ITU Discussions [Freedom v, Regulation: Discussions on the Broadcasting Satellites], Tokyo, 1979,.

19. Jasntuliyana Nandasiri, Treaty Law and Outer Space: Can the United Nations Play an Effective Role?, XI Annals of Air and Space Law, 1986.

20. M. Chinkin Christine, The Challenge of Soft Law: Development and Change in International Law, The International and Comparative Law, 38, 1989.

21. Monserrat Filho Jose & Fabricio Alvaro, Is There a Future for Space Law beyond «Soft Law»? , Proceedings of International Institute of Space Law 2010, 2011.

22. STSC A/AC.105/890, 6<sup>th</sup> march 2007.

23. Treaty on Principles Governing the Activities of States in the Exploration and Use of Outer Space , including the Moon and other Celestial Bodies,1967.

24. UN GA Res. No. 47/68 (Principles Relevant to the Use of Nuclear Power Sources in Outer Space), 1992.

25. UNCOPUOS STSC A/AC.105/761, 2<sup>nd</sup> march 2002.

26. UNCOPUOS STSC A/AC.105/C.1/L.260, 29<sup>th</sup> November 2002. UNESCO 17<sup>th</sup> GA Principles Governing the Use by States of Artificial Earth Satellites for International Direct Television Broadcasting, 15<sup>th</sup> November 1972 ; GA Res. 37/92, 10<sup>th</sup> December 1982

27. UNOOSA Principles Relevant to the Use of Nuclear Power Sources in Outer Space, 1992